

این سن پایین از دنیا بروند.

✘ **بیشترین آسیبی که شما از آن حرف می‌زنید، مسأله اقتصادی است.**

به هر حال هم اکنون در تمام دنیا و به تبع آن ایران وضعیت اقتصادی آشفته است و همه از آن آسیب می‌بینند؛ اما خواه ناخواه در چنین شرایطی هنرمندان از همه بیشتر در معرض آسیب قرار دارند. چون در این اوضاع، اولین چیزی که حذف می‌شود، "هنر" است. من رهبر ارکستر سنتی وزارت فرهنگ و ارشاد هستم اما بال و پر من را چیده‌اند. در صورتی که من تنها به ۱۰-۱۲ نوازنده نیاز دارم. زمانی که دکتر ایمانی به عنوان معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کرد، هم ارکستر اقوام و هم ارکستر سنتی را تعطیل کرد. همین ماجرا هم در افسردگی من نقش مهمی داشت. امروز هم برای ادامه کار این ارکستر اعلام آمادگی کرده‌ام؛ اما انگار دوستان علاقه‌ای ندارند. وقتی زندگی روحی و اقتصادی شما تا این اندازه



نابسامان شود، خواه ناخواه روی زندگی خانوادگی شما هم تأثیر می‌گذارد که برای من هم گذاشت و منجر به افسردگی بیشتر من شد و خودم را از همه چیز کنار کشیدم.

✘ **در این سال‌ها قطعه‌ای نوشتید؟**

بله، خیلی زیاد. همین الان ۱۵-۱۴ اثر کامل دارم که می‌تواند به صورت آلبوم منتشر شود و امیدوارم که این اتفاق بیفتد.

✘ **فقط قطعه نوشته‌اید؟**

✘ **چه اتفاقی رخ داد که آهنگسازی مثل شما، در اوج فعالیت‌های هنری‌اش، ده سال از فضای موسیقی فاصله گرفت؟ اصلاً در این سالها کسی سراغ‌تان را گرفت؟**

بله، خیلی هادنبال من بودند؛ اما من بسیار آزاده بودم. خب کرد هم هستم و نسبت به تصمیماتم قاطع! (خنده). در رسانه‌ها مدام کارهای من شنیده می‌شود و فقط نام خواننده را می‌آورند؛ بی‌اینکه حتی یک بار نامی از آهنگساز برده شود. از سوی دیگر، متولیان موسیقی هیچ کدام تخصصی در این زمینه ندارند. کپی‌های غیرمجاز هم در این سالها به هنرمندان موسیقی ضربه‌های بسیار زیادی زده است. شما می‌توانید یک قطعه را از همه جا بشنوید، بی‌اینکه یک نفر از آنها برای شنیدن موسیقی هزینه کرده باشد. کپی‌رایت هم که در ایران وجود ندارد. گاهی با خودم فکر می‌کنم که همه از مخاطب تا مسئولان - ناخداگاه دارند تمام تلاششان را می‌کنند تا هنرمند هر چه بیشتر دلسرد شود. فعالیت‌های هنری در ایران برای همه، درآمدهای کلان دارد، جز خود هنرمند و مجموعه اینها است که سبب می‌شود کسی مثل من برود و ده سال عزلت بگزیند. این تنها مسأله من نیست. بسیاری از هنرمندان در این سالها با این سرنوشت مواجه شده‌اند. هیچ کس از خودش نمی‌پرسد چرا ایزرگانی مثل لطفی، مشکاتیان، جنگو و فریوسفی باید در

ساز هم می‌زدم. من هیچ وقت فعالیت‌هایم را متوقف نکردم. فقط بروز بیرونی نداشتم و البته در این سالها تدریس هم نکردم، چون تربیت شاگرد حوصله می‌خواهد و وجدان من قبول نمی‌کرد که فقط پولی بگیرم و به اندازه کافی به آنها درس ندهم. من فقط آهنگسازی نمی‌کنم. هم خواننده‌پروری می‌کنم و هم تدریس و هم کنسرت می‌گذارم. این روزها هم که بار دیگر فعالیت‌های موسیقایی‌ام را شروع کرده‌ام، می‌خواهم برای کمک به جوانها فعالیت‌های بیشتری انجام دهم.

✘ **به وجود خواننده سالاری اعتقاد دارید؟**

حتماً. بخصوص اینکه در این سالها بسیاری از صداهای متفاوت بایکوت شده و راه را برای چند نفر باز کردند. اصلاً یکی از دلایلی که خودم را کنار کشیدم، همین مسأله بود. من یکی از بهترین کارهایم را به یک خواننده دادم و بعد از آن به سنج رفتم اما او کار را به نام خودش منتشر کرد! به نظر من، این افراد کاسبان هنر هستند، هر چند که خود من در شهرت آنها بسیار مؤثر بوده‌ام. خیلی از کارهای من بعد از ۳۸-۳۷ سال همچنان ماندگار است و مردم زمزمه‌شان می‌کنند.

✘ **در این سالها چطور زندگی می‌کردید؟**

خیلی بد. خیلی بد. البته مشکلات برای همه وجود دارد اما تحمل این شرایط برای یک هنرمند سخت‌تر است. چون وجود یک هنرمند، سراسر حس است. به هر ترتیب، من حالا بازگشته‌ام و بسیار خوشحالم که خواننده توانمندی مثل "سالار عقیلی" همراه من است. او انسان بسیار شریفی است و سرشار از احساس. راستش مثل اغلب خواننده‌هایی که من پیش از این با آنها کار کرده‌ام، نیست.

✘ **چرا این روزها همه خود را عالم موسیقی می‌دانند؟**

من سرچشمه مشکلات را اینترنت می‌دانم.

محمدرضا شجریان، شهرام ناظری، مرحوم ایرج بسطامی، علیرضا افتخاری و رضوی سروستانی... وجه مشترک تمام این اساتید مطرح موسیقی ایران یک نام است: "محمد جلیل عندلیبی" استاد مسلم موسیقی ایران که حدود یک دهه خود را از فعالیت‌های موسیقایی محروم کرده و اینک با سالار عقیلی به عرصه موسیقی بازگشته است. سکوت استاد بسیار سوال انگیز بود و این گفت‌وگو بهانه‌ای شد تا از دلایل سکوتش بگوید، از تجربه کار با اساتید مختلف و از آینده موسیقی ایران.

محمد جلیل عندلیبی

اینترنت همه را  
آهنگساز کرده است

